

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۳۱ جولای ۲۰۲۱

ناتور رحمانی

سنگسار!؟

در مراسم سنگسار، مردی که اولین سنگ را بر فرق زن زد من بودم

خبانت روح مرد سیه دل ، این نماینده برناحق دین ، چه را میخواید سنگسار نماید ؟
آلودگی اخلاق را ، یا مظلومیت موجود بخت برگشته ای را ؟؟

سیه دستار تردامن که به یقین خود بارها عامل فجور بوده، و برای هموار کردن دام فریب رنگین ترین شیادی ها را بکار بسته است ، تا زنی را طعمه هوس حیوانی خویش بسازد ، و تپش دل هوسباز را روی پیکر درمانده و تشنه ای او آرام نماید .

این عفریت خون آشام با جواز مردی (اگر مردی بی درکار بوده باشد) هر تجاوز و تعدی را در مورد زن حق خود دانسته ، بدون خجالت و شرم تا مرز گنبدیگی پیش میرود . او آله ای مردانگی اش را دلیل بزرگ مباحات و افتخار میداند !!

جامعه بشری ازین قماش دد منشان مسند نشین ، که دستور مجازات و کشتن انسان را با سنگ صادر مینمایند در طول تاریخ زیاد بخود دیده است ، همان هائی که (چون به خلوت میروند آن کار دیگر می کنند)، زیرا بزعم خودشان مرد اند و حق هر خلافی را دارند ، معلوم نیست این حق را کی به آنها داده است ؟ درحالیکه خود یک پای قضیه اند و عامل فساد در جامعه .

این تبهکاران دوران به هر مناسبتی و در هر زمانی بنا بر نفع شخصی ، و خدمت به آنجای خود بزرگترین سنگ های آسیاب ستم را با خون مظلوم ترین کسان گردانیده اند ... این ها زیاد زرنگ و چموش اند، ظاهر بسیار مهربان و فریبنده دارند ، افعی های اند که زهر کشنده خود را بجان بیچاره ترین روزگار زده ها و توده های از خرد دورمانده و دور نگهداشته شده می ریزند .

و درد بزرگ اینکه باز هم با قبای کذابی فریب پارسایانه ، از فراز منبر برای تاراج شده گان ستم حدیث صبر و شکیبایی میخوانند ، و آنها را به وعده دنیای بهتر دعوت به سکوت و پذیرش انواع بیداد میکنند ، تا خموشانه در روغن بدبختی های تحمیل شده بریان شوند؟!!

فراتر ازین در ذهن دیگران و مصیبت زده ها فرو می برند که جزای عمل حق است ، یعنی زنی که هوس بدلش راه پیدا نماید ، و با مردی غیر سخنی از عشق گوید و تشنگی های عاطفی را با نوازش محبت غیر ، مرفوع نماید ، باید سنگسار شود .

زنده بگور گردد تا عبرتی باشد برای دیگران، و دلیلی باشد برای حفظ اخلاق در جامعه .

این قهرمانان جنایت از آن مرد و یا (نامردی) که طرف دگر مسله بوده ، و چنین مصیبتی را بخاطر فرونشاندن هوس خویش بوجود آورده است، نامی نمی برند چه ، که اصلاً در قانون اخلاق جامعه ساخته ذهن شان برای وی مجازاتی در نظر گرفته نشده است ، زیرا او یک مرد است و اجازه دارد باز هم با همان مردانگی قابل افتخارش ، زنی دیگری را تا سنگسار بکشاند ، و سنگ های شرمیده از ستم را با خون آن مظلوم که هیچ حقی در جامعه سنتی و مردسالار ندارد رنگین بسازد .

با دریغ و درد ! این ارواح خبیثه و سیه اندیش را در همه زمانه ها ، عده ای روشن نمایان دانش کش و مریض یاری رسانیده اند ، آنها با افزار دست داشته یعنی حنجره و قلم برای آزادی ، حق و انسانیت همیشه گودال کنده اند ، تا تیکه داران دین خدا همه را در آن مدفون بسازند .

این عاملان شکنجه و ظلم فرصت و مجالی برای اندیشه نداده اند (که آیا خطای در کار بوده یا زن از روی استحاله روحی در وضع قرار داشته که تن به چنین کاری داده است ...) بخت برگشتگی ما چنین است که واپسگرا ترین ناکسان، آنائیکه ضمیر شان منبع خباثت و رذالت است ، حکم سنگسار و زنده بگور کردن انسان را زیر انباری از سنگ میدهند؟!!

در کتاب قانون شان (آن نامردی که زنی را در بدل سگ معاوضه می کند ، زنی را به خود کشی وامیدارد ، دختری را مجبور به خود سوزی مینماید ، دختر یازده ساله را اسیر و بفروش میرساند ...) یا صد ها جنایت شرم آور دگری ازین قبیل را مرتکب میگردد حرفی ندارد ، او سالار مردی است که برای ارتکاب رزالتش هیچ مانع در کار نیست؟؟

این پشمینه چهره گان بیگانه باور، در هر فرصتی به سیه کارترین جلادان شمایل قدسی داده اند ، و با سحر کلام و زبان بیگانه توده های درمانده و بی خبر از دنیا را فریفته اند ، که گویا دنیا بدرد مومن نمیخورد و از برای میزان حق باید منتظر دنیای دگر بود ... مگر خود برای بدست آوردن مزایا و لذات دنیا دست به هر جنایتی زده از اجرای هر خیانت و رذالتی آبا ندارند ، این دین فروشان دنیا نگر ، چاکران

سیاست زور و سرمایه و توبه فرمایان که (خود توبه کمتر میکنند)، نشانی فقیرترین معامله گران دین ، ملای مسکین ، مولوی نادار ، پیر بی چیز و طالب بینوا و داعش نیازمند را درین دوران از هم پاشیدگی سیاسی ، و سیاستبازی های ملوث از کی و در کجا جویا شویم ؟

با شگفت می بنیم این دکانداران دین فروش ، دلالان مذهب ، عقیده و ایمان آخرت و عقبا را به مال و منال جاه ، مقام ، تخت و تاج دنیا ترجیح داده یا فروخته اند . اینها هرچه در تصور ننگجد در دنیا دارند . قطرشکم ، ضخامت گردن ، حساب بانکی و تعداد زن های شان هر روز افزون تر میگردد ، مگر برای مردم چپاول شده ، تحت تجاوز و ظلم قرار گرفته ، گرسنه ، ژولیده و برباد رفته حکایت صبر و برده باری میخوانند (که غم مخورید آن دنیا ، بهشت برین با تمام امتیازات آن مال شماست . صبر پیشه نمایید که وعده یک بر صد هزار در دنیای دگر برای صابرین داده شده است !!)

اگر احياناً بیچاره ای تاراج شده ، آنکه نان ، عفت و آرامش زندگی اش را خود این ناکسان ربوده اند، لب به شکوه بگشاید، که چرا شما از جمع صابرین و قناعت پیشه گان نیستید ، متهم به کفرگویی ، الحاد ، دین ستیزی ، دزدی و جنایت گردیده ، و بسیار ممکن است که تنها ترین داشته خود یعنی نیم نفسش را هم از دست بدهد ، بنابراین با ترس سنگی بزرگی را برمیدارد و بخاطر داشتن امتیاز و بخشایش در دنیای دگر، و پاک شدن گناه ناکرده بر فرق زنی میکوبد ، که در حصار سنگ ها و مرد ها بی دفاع مانده است ... او وقتی برمیکردد به خانه (اگر خانه ای درکار باشد)، قصه سنگسار را برای زن مظلوم دیگری که زن خودش است بیان میکند : **امروز در مراسم سنگسار، مردی که اولین سنگ را بر فرق زنی زد من بودم !**

(ناتور)